

## تحلیل نقش مذهب در ساختار ژئوپلیتیکی نوین خلیج فارس

عبدالرضا فرجی‌راد

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

شهریار نصرتی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

شهناز بازدار

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مهرداد کنشلو

کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۱۴

### چکیده

ادیان و مذاهب در جهان متغیر امروز از جمله عوامل مؤثر در سیاستگذاری کشورها محسوب می‌شوند. در آغازین هزاره‌ی سوم میلادی و با وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، گستره‌ی دامنه‌ی مؤلفه‌ی مذهب تا بدان جایی رسید که بنیادگرایی دینی، رادیکالیسم مذهبی و... نه تنها در جامعه‌ی نخبگان بلکه برای قشرهای وسیعی از عوام در سراسر جهان، واژگان آشنایی شدند. خلیج فارس به‌عنوان یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی مهم، خاستگاه مذاهب مختلف است که با گذشت زمان، حضور مذهب و فرقه‌های مذهبی با باورهای گوناگون در پیکره‌ی نظام‌های سیاسی و عرصه‌های اجتماعی منطقه احساس شد به‌طوری‌که هم اکنون به یک عنصر اصلی در مناسبات منطقه تبدیل شده و می‌تواند در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خلیج فارس تأثیر گذار باشد. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با بهره‌گیری از روش مطالعات کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی سعی در پاسخگویی به این سؤال را دارد که با توجه به وجود فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی مختلف در حوزه‌ی خلیج فارس و افزایش قدرت آن‌ها در صحنه‌های سیاسی و با در نظر گرفتن رابطه‌ی مذهب و تحولات ژئوپلیتیکی، مؤلفه‌ی مذهب چه تأثیری در معادلات و مناسبات منطقه‌ای و نظم جدید آن دارد؟ نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از این است که تحولات ژئوپلیتیکی خلیج فارس تحت تأثیر مستقیم عامل مذهب می‌باشد و روند مناسبات منطقه‌ای خلیج فارس به ایجاد ساختاری مبتنی بر تقابلات و تعارضات ایدئولوژیک و نظام متأثر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک کمک می‌نماید و با وجود اینکه به‌طور بالقوه مذهب از عوامل موجد همگرایی مؤثر در منطقه می‌تواند باشد، مؤلفه‌های مذهبی تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی نتوانسته موجبات وحدت و همگرایی را میان کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس ایجاد نماید. در این مقاله، جهت برون رفت از این ناسازگاری، پیشنهادهای نیز ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مذهب، ژئوپلیتیک، خلیج فارس

## مقدمه

اگرچه در نگاه برخی اندیشمندان، مذهب ظاهراً مفهومی در جهان الهیات یا احساسات و تأثرات است (James, 1994: 6). در قرون گذشته، همواره یکی از عوامل مؤثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بوده است. در قرن بیستم نیز کم و بیش نقش‌آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب می‌باشد. در حقیقت، مذهب در کنار زبان، یکی از قوی‌ترین نیروهای مؤثر در کشورهای مستقل کنونی محسوب می‌شود. هم‌چنین عامل مذهب هنوز علت وجود و بقای بسیاری از کشورهاست (Jordan & Rawentry, 2001: 171). رشد جنبش‌های مذهبی و بیداری اسلامی در حوزه‌ی ژئوپلیتیک خلیج فارس، کاوشی دوباره و بازنگری در ساختار ژئوپلیتیکی آن را ضروری می‌سازد. اکنون خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل در مناسبات بین‌المللی و مرکز ایدئولوژی اسلامی در جهان است و رخدادها و تحولات این حوزه و تأثیرگذاری آن بر مناسبات منطقه‌ای و حتی جهانی، بیانگر پیوند تنگاتنگ و روبه‌فزونی سرنوشت دگرگونی‌های نظام جهانی با تحولات حوزه‌ی خلیج فارس است که در حال عرضه‌ی چهره‌ای جدید و متفاوت از گذشته که بر مبنای محوریت انرژی بوده، می‌باشد و آن محوریت مذهب و نقش‌آفرینی آن در مناسبات و ساختار آینده‌ی این حوزه است. بدین معنا که ایدئولوژی اسلامی حاکم بر منطقه در تعیین مسیر تحولات ژئوپلیتیکی آن، نظیر ایجاد همگرایی و یا واگرایی میان دولت‌های منطقه، حضور و دخالت بازیگران خارجی و... می‌تواند مؤثر باشد و به عنوان یک متغیر مستقل در ساختار جدید ژئوپلیتیکی خلیج فارس ایفای نقش کند. چرا که وجود تحرکات گسترده‌ی مذاهب مختلف در این حوزه و شکل‌گیری گروه‌ها و بنیان‌های فکری رادیکال و نیز درصد عظیمی از اهل تشیع در حال تغییر وضعیت و گروه‌های ترقی‌خواه خلیج فارس، می‌رود که به یک نقطه تصمیم و مرکز ثقل با ماهیت جدید با مجموعه‌ای از تعارضات و تشابهات تبدیل شود.

خاورمیانه، خاستگاه ادیان بزرگ الهی است. مهد آیین‌هایی که امروزه بیش از نیمی از مردم جهان پیرو آنها می‌باشند و خلیج فارس، آبراهی در میان هشت کشور مسلمان و یکی از استراتژیک‌ترین نقاط کره‌ی زمین که سال‌هاست نگاه‌های قدرت‌های جهانی را به خود جلب کرده است. تحولات این منطقه که هر کدام معلول متعددی می‌باشد، تمام جهان را متأثر کرده که در ریشه‌یابی این تحولات، حضور مؤلفه‌ی مذهب قابل لمس می‌باشد. لذا نمی‌توان نقش مذهب را در تحولات در حال وقوع در منطقه‌ای در قلب کشورهای پیرو دومین دین بزرگ جهان با فرقه‌های مذهبی و گرایش‌های مختلف که امروزه در ساختار سیاسی منطقه ورود کرده و ایفای نقش می‌نماید نادیده انگاشت. از این رو، پی بردن به جایگاه مذهب در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی اقتصادی جهان و یافتن نقش آن در تحولات منطقه‌ی خلیج فارس که در حال شکل دادن به ساختار ژئوپلیتیکی منطقه بر مبنای عامل مذهب است مهمترین ضرورت این پژوهش می‌باشد.

۱- به نظر می‌رسد تمایلات مذهبی، نقشی تعیین‌کننده در روند مناسبات منطقه‌ای و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس و جهت‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای همگرایی یا واگرایی و ایجاد نظم ژئوپلیتیکی آن دارند.

۲- گرایش‌های سیاسی مبتنی بر درون مایه‌ی مذهبی، ساختار ژئوپلیتیکی جدید خلیج فارس را به سوی تکوین ساختار متعارض و ناهمگون سوق داده است.

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی محسوب می‌گردد که در جهت تحلیل وضعیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس بر اساس ساختار جدید متأثر از مؤلفه‌ی مذهب با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات از طریق کتب و مقالات و منابع اسنادی و اینترنتی داخلی و خارجی در خصوص دستیابی به سوابق مطالعات صورت گرفته پیرامون محدوده‌ی مورد مطالعه و ادبیات تحقیق، انجام پذیرفته و نهایتاً با استدلال مبتنی بر براهین منطقی و مستخرج از یافته‌های پژوهش استنتاج لازم در راستای هدف پژوهش صورت گرفته و روند تحقیق مورد سازماندهی قرار گرفته است.

مباحث نظری

#### (۱) مفهوم ژئوپلیتیک

ارائه تعریفی دقیق از واژه ژئوپلیتیک کار آسانی نیست. با اینکه از زمان وضع این واژه توسط (رودلف کی‌الن)<sup>۱</sup> بیش از صد سال می‌گذرد ولی بر سر تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد (Glassner, 1993:224). در تعریف ژئوپلیتیک در فرهنگ اکسفورد چنین آمده است: ژئوپلیتیک عبارتست از مطالعه چگونگی تأثیرپذیری سیاست‌ها از عوامل جغرافیایی (Gowie, 1989:515). پیتر تیلور جغرافیدان سیاسی انگلیسی ژئوپلیتیک را این چنین تعریف می‌کند: ژئوپلیتیک، مطالعه‌ی توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی است (Taylor, 1990:330). هاق فرینگدون<sup>۲</sup> در تعریف ژئوپلیتیک می‌نویسد: ژئوپلیتیک عبارتست از مطالعه‌ی تأثیر جغرافیا بر شخصیت سیاسی، تاریخی و مؤسسات کشورها به ویژه روابط آنها با سایر کشورها و یا دولت‌ها (Faringdon, 1989:14).

#### (۲) ساختار روابط ژئوپلیتیک

ساختار روابط ژئوپلیتیک منعکس‌کننده‌ی الگوهای رابطه بین دولت‌ها و کشورها بر اساس سطح قدرت آنهاست. این ساختار در قلمروهای جهانی و منطقه‌ای قابل شناسایی است (Ahmadi, 2011: 20). این مفهوم همچنین پیوستگی عمیق‌تری در برخی مناطق به وجود آورده که تا حدی به پیوندهای میان قدرت‌های بزرگ و تا اندازه‌ای به پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی در میان کشورهای درجه‌ی دوم مربوط هستند. تمامی این رابطه‌ها پیچیده‌اند و موجب بروز مسائلی می‌شوند که در بعضی مواقع، در راستای اهداف یکدیگر و در مواقع دیگر، در جهت اهداف متضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند که برای مثال می‌توان به کنترل و فروش اسلحه، سیاست‌های مربوط به تسلیحات هسته‌ای، حقوق بشر، انرژی، آلودگی، محیط زیست، مهاجرت، انتقال تکنولوژی و عدم توافق اقتصادی اشاره کرد. حل این مسائل می‌تواند واکنش دوجانبه‌ای را در سراسر مناطق به وجود آورد و برتری چشمگیری به ترکیبات منطقه‌ای مشترک بدهد (Ezati, 2011: 151).

### ۳) بنیادگرایی اسلامی<sup>۱</sup> و اسلام سیاسی<sup>۲</sup>

بنیادگرایی، یک روش تفکر است که بر طبق آن اصولی را که دارای اعتبار تغییر ناپذیر می‌باشند، صرفنظر از محتوای آنها، به عنوان حقایق اساسی به شمار می‌آورد (Hiwood, 2007: 510). و به معنای برخاستن هویتی برای یکسان‌سازی رفتار فردی و نهاد ای جامعه با هنجارهایی است که برگرفته از احکام خداوند هستند (Castles, 2006: 30). این واژه از مسیحیت پروتستان به عاریه گرفته شده و فی نفسه در زبان دنیای اسلام وجود ندارد و توسط کشورهای غربی استفاده می‌شود (Foler, 2005: 11). بنیادگرایی اسلامی از دهه‌ی ۸۰ میلادی به جریان اجتماعی عمده در بسیاری از کشورهای عربی تبدیل شده و مهم‌ترین وجه ممیزه‌ی آن از جنبش‌های اسلامی پیشین، نقش ممتاز اسلام در شکل بخشی عناصر گفتمانی آن می‌باشد. با تأسیس جنبش اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ در مصر، دوران احیای بنیادگرایی اسلامی آغاز شد. برداشتی که امروزه بیشتر در جوامع مسلمان رواج دارد، باورهای مسلمانان سنتی‌ای را شامل می‌شود که خود را به تفسیرهای تحت‌اللفظی از متون مقدسشان، قرآن و حدیث محدود می‌کنند. برخی از انواع حرکت‌های بنیادگرایی در راستای اهداف گروه‌های خاصی صورت می‌گیرد. نمونه‌ی این گروه‌ها طالبان و القاعده هستند که تحت نام اسلام در پی دست یافتن به مقاصد سیاسی خود می‌باشند (www.Wikipedia.org). برخی‌ها معتقدند اگرچه بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی اغلب به عنوان عبارات مترادف لحاظ می‌گردند اما این دو نیازمند یک تمایز هستند. اسلام سیاسی اصطلاحی جدید است و به دنیای مدرن تعلق دارد که برای اختصار تنوع نظریات سیاسی در جامعه‌ی اسلامی به کار می‌رود. در جهان اسلام، بر اساس تلقی سنتی، دین جامع تلقی شده و شامل مباحث سیاسی نیز می‌شود. و بر این اساس، نیازی به توصیف مجدد و تقید اسلام به قید سیاسی نبوده است. از دیدگاه مدرنیسم غربی، دین از سیاست جدا بوده و در نتیجه هرگونه حضور و دخالت دین در عرصه‌ی سیاسی امری نابهنجار، منفی و ارتجاعی تلقی می‌شود. با تهاجم همه جانبه‌ی غرب به جهان اسلام و شکل‌گیری مقاومت اسلامی در برابر آن و تلاش احیاگران مسلمان برای احیای تمدن اسلامی و بازگرداندن اسلام به عرصه‌ی زندگی سیاسی، غربیان برای ارتجاعی و نابهنجار نشان دادن آن از واژگانی چون بنیادگرایی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی استفاده کردند (Ehteshami, 2003: 25).

### ۴) اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس

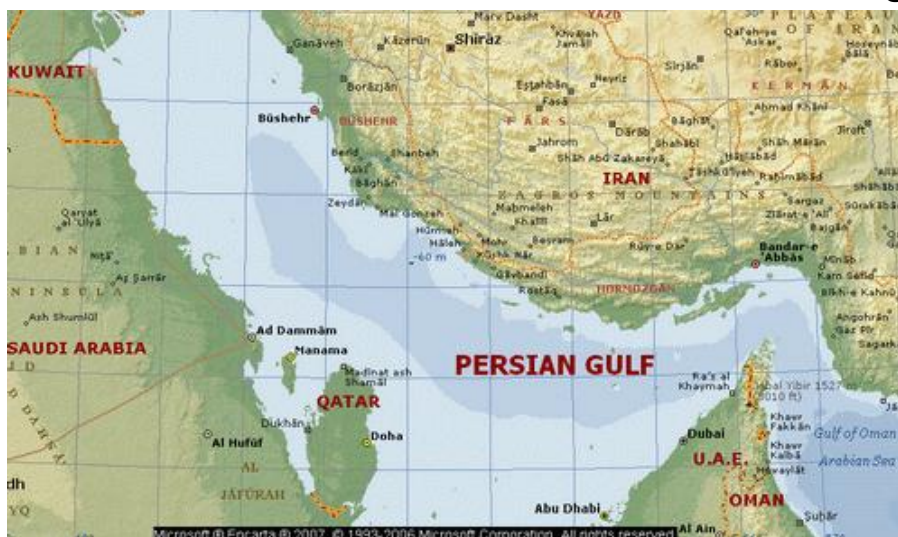
اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس موجب شکل‌گیری تحقیق و تحلیل‌های سیاسی زیادی در خصوص آن شده است (Buzan & Waever, 2003: 53). در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیک، این دریا به عنوان هارتلند یا به گفته‌ی یوردیس فون لوهازن «مرکز مرکز» می‌باشد. منطقه‌ی سیاسی خلیج فارس که از هشت واحد سیاسی ایران، عراق، عربستان سعودی، قطر، عمان، امارات متحده عربی، کویت و بحرین تشکیل شده است را می‌توان بر اساس خصلت‌های مشترک و متمایز که الگوی کنش متقابل منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند، یک واحد و منطقه‌ی ژئوپلیتیکی بارز در جهان دانست (Minaei, 2007: 147). اهمیت خلیج فارس به عنوان گلوگاه تأمین انرژی و تجارت آمریکا،

<sup>۱</sup>-Islamic Fundamentalism

<sup>۲</sup>-Political Islam

اروپا و بسیاری از کشورهای دیگر نظیر چین، ژاپن و... باعث شد تا منطقه در اولویت ژئواستراتژیکی قرار گیرد (Nami, 2008: 45). به طور کلی مهمترین علل اهمیت این منطقه عبارتند از:

- ۱- موقعیت ژئو کالچر و تأثیرگذاری فرهنگی و اعتقادی
- ۲- بازار مصرف کالا (safavi, 2010:63).
- ۳- موقعیت مهم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، که حلقه‌ی ارتباطی بین شرق و غرب را تشکیل می‌دهد.
- ۴- دارا بودن تنگه‌ی استراتژیک هرمز و جزایر مهمی که هر یک به تنهایی از اهمیت خاصی برخوردارند.
- ۵- دارا بودن بنادر متعدد
- ۶- اهمیت تاریخی آن، که مهد تمدن‌هایی چون تمدن پارسی و شریعت اسلامی شناخته شده است.
- ۷- دارا بودن منابع آبی و زیر زمینی (Momeni, 2011, 286).



شکل ۱: واحدهای سیاسی منطقه خلیج فارس  
www.persiangulfstudies.com

#### ۵) ترکیب مذهبی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس

منطقه‌ی خلیج فارس از جمله مناطقی از جهان محسوب می‌شود که از لحاظ مذهب و فرقه‌های مختلف آن، ترکیب چندان همگنی ندارد. اقلیت‌های دینی در منطقه حدود ۲ درصد کل جمعیت منطقه را شامل می‌شوند، این اقلیت‌ها بیشتر پیرو ادیان مسیحیت، یهودیت، هندو، بودایی، زردشتی و سیک می‌باشند. اکثریت مردم منطقه پیرو دین اسلام هستند که طبق آمار جمعیتی سال ۲۰۰۵، از کل جمعیت منطقه، ۶۵ درصد را شیعیان و حدود ۳۳ درصد را سنی‌ها به خود اختصاص می‌دهند و در میان فرقه‌های مختلف تشیع، شیعه دوازده امامی بیشترین پیروان را دارد و می‌توان گفت ۹۵ درصد شیعیان منطقه دوازده امامی هستند. کشورهایی مانند ایران و عراق که پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه‌اند، اکثریت مردمان‌شان پیرو مذهب تشیع هستند. علاوه بر این دو، در کشور بحرین نیز اکثریت با شیعیان می‌باشد و در بقیه‌ی کشورهای منطقه به طور متوسط یک چهارم تا یک پنجم جزو پیروان مذهب تشیع و فرقه‌های مختلف آن محسوب می‌شوند. در ایران از لحاظ مذهبی، مذهب شیعه‌ی دوازده امامی مذهب رسمی است و پیروان این مذهب در میان ایرانی‌ها بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد. لازم به ذکر است در میان شاخه‌های

مختلف مذهب تشیع بعد از شیعه دوازده امامی که اکثریت غالب را تشکیل می‌دهد، شاخه‌ی شیعه‌ی اسماعیلیه نیز به طور پراکنده پیروانی دارد. مذهب تسنن بعد از مذهب تشیع بیشترین پیروان را در ایران دارد. در میان شاخه‌های مذهب تسنن در ایران بیشترین پیروان آن شافعی مذهب هستند و بعد از آن شاخه‌های حنفی و حنبلی قرار دارند. کشور ایران از نظر تمرکز جمعیت شیعه نسبت به کل جمعیت کشور در منطقه‌ی خلیج فارس رتبه‌ی اول را کسب می‌کند. این کشور هم چنین کانون و قطب مذهب تشیع در جهان محسوب می‌گردد (Ramezani Lashkarian, 2010, 58). از کل جمعیت ایران ۹۹/۶ درصد مسلمانند که از این تعداد ۹۳/۹ درصد پیرو مذهب شیعه و ۵/۷ سنی مذهب هستند. ۱۳ درصد مسیحی، ۰/۰۵ درصد زردشتی و ۰/۰۲ درصد جمعیت سایر ادیان در ایران هستند (Jafari, 2005, 182). بیشترین تمرکز جمعیت اهل سنت در کشور عربستان سعودی است زیرا ۹۰ درصد جمعیت این کشور سنی مذهب هستند. مذهب رسمی کشور عربستان حنبلی می‌باشد. ارزش‌های دینی در عربستان، فرهنگ و سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بقیه کشورهای عربی تعداد پیروان اهل تسنن از ۳۰ درصد کل جمعیت کمتر نیست. بحرین تنها کشور عربی منطقه است که اکثریت جمعیت عرب آن شیعه مذهب هستند. در میان مسلمانان آن ۶۳/۳ درصد شیعه، حدود ۲۰ درصد اهل تسنن و ۸/۵ درصد نیز مسیحی می‌باشند (Ibid., 154). خاندان سلطنتی بحرین سنی هستند. پیروان سایر ادیان به ترتیب مسیحی، یهودی، بودایی و هندو می‌باشند. نفوذ شیعه در بحرین ریشه‌دار است و از دیر باز در این خطه وجود دارد. حتی گفته می‌شود در زمان سلطه پرتغالی‌ها بر بحرین مردم این کشور شیعه متعصب بودند (Seif Afajehei, 1997, 14). کویت در میان کشورهای منطقه در ترکیب جمعیتی خود جمعیت غیر مسلمان بیشتری را در خود جای داده است. به لحاظ مذهبی اکثریت جمعیت کشور کویت پیرو مذهب تسنن هستند. ۸۵ درصد کویتی‌ها مسلمانند که از این تعداد ۷۰ درصد سنی، ۳۰ درصد شیعه و ۱۵ درصد پیروان سایر ادیان (عمدتاً مسیحی، هندو و...) هستند (Nami, 2007, 45). در قطر، اسلام دین رسمی است و بیش از ۹۵ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند. اقلیت مسیحی نیز ۵ درصد جمعیت آنرا تشکیل می‌دهد. شیعیان قطر نیز کمتر از ۲۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که دارای نماینده‌ای در مجلس مشورتی بوده و نفوذ قابل توجهی در وزارتخانه‌ها و بازار این کشور دارند. بیش از ۵۰ درصد جمعیت بومی و سنی مذهب قطر و همچنین خاندان آل ثانی حاکم قطر دارای مذهب وهابی هستند. شریعت یا حقوق اسلامی، منبع اصلی قانونگذاری است. بین علمای وهابی قطر و عربستان رابطه تنگاتنگی وجود دارد. در واقع، قطر و عربستان تنها حکومت‌های وهابی در منطقه و جهان می‌باشند (Safavi, 2005, 204). اکثریت مردم عراق شیعه هستند. از میان مسلمانان این کشور ۶۲/۵ درصد را شیعیان، ۳۴/۵ درصد را مسلمانان سنی مذهب و ۲/۷ درصد را مسیحیان به خود اختصاص داده‌اند (Jafari, 2005, 296). در کشور عمان ۹۸/۹ درصد جمعیت، مسلمان هستند، ۳ درصد هندو و ۸ درصد پیرو سایر ادیان می‌باشند (Elahi, 2007, 166). اکثر مردم عمان از پیروان مذهب اباضی که فرقه‌ای از خوارج نهروان و یکی از مذاهب هشت گانه اسلامی است، می‌باشند. همچنین حدود ۳۰ درصد از جمعیت عمان را اهل سنت و ۲۳ درصد را شیعیان اسماعیلی و اثنی عشری تشکیل می‌دهند (Yeganeh, 2005, 16). در خصوص اقوام و نژادها و روابط آنها که به عنوان یک چالش ژئوپلیتیکی برای عمان است می‌توان گفت که این کشور یک جامعه‌ی عشیره‌ای با وابستگی به یکی از فرقه‌های مذهبی و اجتماعی است که در خصوص مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی طرز فکر به خصوصی

دارند (Ibid, 12). در امارات متحده عربی مذهب رسمی، تسنن است که حدود ۸۰ درصد جمعیت آنرا شامل می‌شود. ۹۶ درصد از ساکنان آن مسلمان بوده که از این تعداد ۸۰ درصد سنی، ۱۶ درصد شیعه و مابقی مسیحی و هندو می‌باشند. بیشتر شیعیان امارات در امیرنشین دبی ساکن هستند (Jafari, 2005, 119).

۶) تشکیلات و جنبش‌های مذهبی در خلیج فارس

- انقلاب اسلامی ایران

از سال ۱۳۵۷ هجری شمسی (۱۹۷۹ میلادی) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایران سیاست جدید و ویژه‌ای را در پیش گرفت. ایران داعیه رهبری جهانی انقلاب اسلامی در مبارزه با استکبار جهانی را داشت و می‌خواست این مبارزه را در هیأت یک اتحادیه شیعی علم کند. هر چند جمهوری اسلامی ایران خواستار وحدت همه‌ی مسلمانان جهان برای حمایت مستضعفان و مبارزه با مستکبران بود اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب که غالباً انقلاب اسلامی را یک تهدید ایدئولوژیکی تلقی می‌کنند ایجاد شد و جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت یک اتحادیه شیعی مسجل گردید. انقلاب اسلامی ایران پدیده نوظهور قرن بیستم می‌باشد. انقلابی غایت‌گرا و آرمانگرا که تحولی شگرف در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولت‌های منطقه و جهان پدید آورد (Toal, 2000, 18).

- وهابیت

ظهور حرکت وهابی در نجد عربستان در سال ۱۷۴۵ میلادی و تحولات مربوط، نقطه عطفی برای همه گروه‌های اجتماعی در شبه جزیره عربستان است. وهابیسم در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌تواند یک تلاش مذهبی جهت سیطره بر جوامع باشد. در مراحل اولیه، تفکر وهابی متمایل به این بود که به طور خشونت‌آمیز مانند مدل قرون هفتمی امت اسلامی، واکنش نشان دهد. این ایدئولوژی از دو گرایش مرتبط به هم تشکیل شده است:

اول: تکفیر تقریباً همه مسلمانان غیر وهابی، چه رسد به غیر مسلمانان

دوم: تغییر افراطی دنیا از طریق انجام یک سری از تهاجمات که با هدف احیای امت اسلامی صورت می‌گیرد.

وهابیت کنونی در دهه‌های نخستین قرن بیستم حاکمیتی به ظاهر مهربان با مردم و متمایل به دسترسی به آخرین پیشرفت‌های علمی و صنعتی جهان و مظاهر نوین تمدن و رفاه می‌باشد. که البته این‌ها همه از قدرت نفت و ثروت فراوان کشور عربستان می‌باشد که بر بیشترین و بزرگ‌ترین انبارهای نفت جهان تسلط دارد. چاپ کتاب‌های پیشوایان سلفیه و وهابی در عربستان و خارج از آن، تربیت مبلغان وهابی و تأمین هزینه‌های مالی آنها، ساختن مساجد متعدد در سراسر جهان، کمک‌های بلاعوض و سرمایه‌گذاری‌های کلان در راه نشر و گسترش اسلام سعودی، گوشه‌ای از فعالیت‌های حاکمان وهابی به شمار می‌آید (Ebrahim, 2008, 30).

- جنبش آزادی بخش ظفار

ظفار نام جنوبی‌ترین ایالت سلطان‌نشین عمان است. اگرچه اکثریت جمعیت ظفار اهل تسنن هستند ولی مردم این منطقه از نظر گویش، نژاد، فرهنگ و لهجه با سایر جمعیت ایالات عمان تفاوت دارند و دوری آنان از سایر ایالت‌ها بواسطه صحرا و کویری که میان آنها با دیگر استان‌های عمان ایجاد کرده، از اختلاط آنان با دیگر مردم این کشور حتی‌المقدور جلوگیری کرده است. این جدایی در کنار عقب‌ماندگی اقتصادی ایالت ظفار سبب شده که در این استان

بیش از سایر قسمت‌های عمان روحیه‌ی استقلال‌خواهی شکل گیرد. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم جوانان ظفار در جستجوی کار راهی کشورهای عرب حوزه‌ی خلیج فارس شدند. در این کشورها با جنبش سیاسی و ناسیونالیستی عرب آشنا شدند و به تدریج یک جبهه‌ی آزادی بخش عربی تشکیل دادند که به طور پنهانی توسعه یافت تا اینکه در ۱۱ خرداد ۱۳۴۴ هجری شمسی به نام جنبش آزادی بخش ظفار موجودیت خود را اعلام کرد و شروع به انقلاب مسلحانه نمود. جنبش ظفار از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ هجری شمسی توانست قلمرو خود را تا نزدیکی مناطق نفت خیز عمان گسترش دهد و به پشتوانه‌ی مهمی برای سایر جنبش‌های مذهبی موجود در کشورهای عرب خلیج فارس تبدیل شود اما سرانجام با حمایت آمریکائی‌ها و با مداخله‌ی نظامی ایران طی درخواست کمک پادشاه عمان از شاه ایران و موافقت لندن برای سرکوبی این جنبش، در ۲۲ آذر ۱۳۵۴ هجری شمسی سلطان قابوس پادشاه عمان طی مصاحبه‌ای رسماً پایان جنگ ظفار را اعلام کرد (www.ir-psri.com).

- سازمان انقلاب اسلامی جزیره‌ی العرب (جنبش اصلاح طلبان جزیره‌ی العرب)

این سازمان در سال ۱۹۶۸ میلادی توسط آیت الله سید محمد شیرازی پایه‌ریزی شد اما تأسیس آن در سال ۱۹۷۵ به طور رسمی اعلام گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رهبران سازمان تصمیم گرفتند به تبعیت از انقلاب اسلامی، توده‌های مردم را وارد صحنه کنند، این تصمیم با شور و حماسه‌ای که در مردم عربستان در آن سال در اثر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمده بود هماهنگی داشت. لذا این سازمان به شدت فعال شد و نام سازمان در خیابان‌ها و دیوارهای منطقه‌ی شرقی عربستان در سطح وسیع نوشته می‌شد. و این سازمان توانست قیام سال ۱۴۰۰ قمری را در منطقه‌ی شرقی ترتیب دهد. به دنبال سرکوب و سختگیری رژیم سعودی بر شیعیان و درخواست از آنان برای مذاکره و همکاری، این سازمان ناچار گردید به مذاکره و روش‌های مسالمت‌آمیز روی آورد و تا جایی که ممکن است از طریق مذاکره و گفتگو حقوق شیعیان را پی‌گیری نماید؛ و بر این اساس، نام سازمان را به «جنبش اصلاح طلبان جزیره‌ی العرب» تغییر نام داد. اما به نظر می‌رسد جنبش اصلاح طلبان جزیره‌ی العرب در مقابل آنچه از دست داده، امتیاز چندانی به دست نیاورده و رژیم سعودی هیچگاه به وعده‌های خود عمل نکرده است. در حال حاضر فعالیت‌های این سازمان در بعد فرهنگی و آگاهی‌سازی و با انتشار نشریه «الجزیره‌ی العرب» کماکان ادامه دارد (Mohammadi, 2006, 173).

- حزب الله حجاز

این حزب در سال ۱۹۸۷ از سوی طلاب شیعه عربستان مقیم قم تأسیس شد. این حزب به دنبال فاجعه‌ی حج خونین سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ شمسی)، رویارویی و مبارزه با رژیم سعودی را گسترش داد و اعلامیه‌هایی با امضای «حزب الله حجاز» منتشر کرد. در این اعلامیه‌ها، اقدامات رژیم سعودی مورد حمله قرار گرفته و پیروی از امام خمینی و جمهوری اسلامی در ایران مورد تأکید قرار گرفته بود. نشریه‌ی این حزب با نام رساله‌ی الحرمین انتشار می‌یابد.

حزب الله حجاز در راستای مبارزه با رژیم سعودی، علاوه بر فعالیت‌های تبلیغی به اقدامات نظامی چندی نیز دست زده است. پس از بحران خلیج فارس و حمله‌ی عراق به کویت، حزب الله حجاز تاکنون دست به اقدامات خشونت‌آمیز



علیه رژیم نزده و به کارهای سیاسی و تبلیغی بسنده کرده است. حزب الله حجاز از همان آغاز، مذاکره با رژیم سعودی را مردود شمرد و سعی کرد از گروه مذاکره کنندگان جدا شود (Pishgahifard&Rahmani, 2011, 147).

- ژئوپلیتیک نوین خلیج فارس

ایجاد تغییر و تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل از جمله پایان جنگ سرد و وقوع حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی تأثیرات غیرقابل انکاری بر جنبه‌های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه‌ای خلیج فارس گذاشته است. نظام جهانی با تضعیف جهان دو قطبی و دخالت آمریکا در خلیج فارس شکل تازه‌ای به خود گرفت. آمریکا سیاست مهار دوگانه را جایگزین سیاست سنتی خود یعنی ترویج موازنه‌ی قوا کرده بود (Brzeinski, 30: 1990). برای نیل به اهداف سیاست مهار، توجه به سمت قدرت‌های دیگر منطقه‌ای و گروه‌های سیاسی مذهبی جلب شد و آنها فرصت بیشتری جهت قدرت‌یابی یافتند. دو جنگ خلیج فارس افزایش تعارضات ژئوپلیتیکی در روابط کشورهای منطقه را در پی داشت به ویژه پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر فضای جدیدی بر ساختار ژئوپلیتیکی حوزه‌ی خلیج فارس حاکم شد. فروپاشی رژیم صدام حسین و تثبیت قدرت نظامی-سیاسی آمریکا در عراق، نشانگر آغاز مرحله‌ی جدیدی در ترکیبات امنیتی منطقه است که فصل جدید مداخله‌ی خارجی با هدف تعقیب سیاست تغییر رژیم‌های منطقه از مشخصه‌های بارز آن می‌باشد (zahraei, 2002, 75). در این راستا، الگوسازی ایدئولوژیک، مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار در معادلات قدرت در منطقه است. چنانکه تاکنون بیشتر کنش‌های نظامی - امنیتی در واکنش به این مؤلفه بروز یافته‌اند. این به آن معناست که منطقه‌ی خلیج فارس هنوز وارد دوران پس‌ایدئولوژیک نشده است (porsaeid.2003.440). اصلاحات دینی-مذهبی تحت عنوان مهندسی اجتماعی-سیاسی نمونه‌ای از این الگوسازی است. همچنین اعمال کنترل و نظارت بر برخی گروه‌های مذهبی و یا حمایت تسلیحاتی از برخی دیگر در مقابل تهدیدات و فشارهای جنبش‌های اسلامی و طرح هلال شیعی می‌باشد. مسلح شدن بسیاری از گروه‌های مذهبی و ترویج فرقه‌گرایی تندرو، بخشی از ویژگی‌های فضای جدید می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

### ۱) چشم‌انداز ژئوپلیتیک مذهب در ساختار حوزه‌ی خلیج فارس

حوزه‌ی خلیج فارس به لحاظ ساختار فرهنگی-مذهبی از یک گوناگونی برخوردار است. امیرنشین‌های منطقه با بافت قبیله‌ای که دارند دچار نوعی بافت ناهمگون مذهبی در درون کشورهای خود می‌باشند. این کشورها ترکیبی از مسلمانان سنی مذهب (انواع چهارگانه و وهابی)، شیعه، خوارج (اباضی‌ها) و موجی از مذاهب و عقاید کارگران رانده شده از کشورهای همجوار که هندوهای متعصب، بودایی، برهمایی و انواع مذاهب مسیحی را در خود دارند. تمایزات ایدئولوژیک و قومی-نژادی حاکم بر این منطقه مهم‌ترین عوامل ژئوکالچری حوزه‌ی خلیج فارس می‌باشند. برای درک ناهمگونی ساختار جمعیتی کافی است بدانیم در سه کشور کویت، امارات متحده و قطر تعداد بومیان از تعداد خارجیان مقیم کمتر است (Ebrahimifar, 2006, 110). تمرکز جغرافیایی شیعیان در کشورهای منطقه به آنها موقعیت استراتژیکی مهمی بخشیده است. تمامی شهرهای شیعه‌نشین خلیج فارس در یک خط ساحلی که تقریباً تمامی سواحل خلیج فارس را در بر دارد ساکن هستند؛ به طوری که در واقع به لحاظ جغرافیایی مهم‌ترین بخش‌های

خلیج فارس (شامل سواحل ایران و سواحل جنوبی خلیج فارس) در انحصار شیعیان است (Pishgahifard & Rahmani, 2011, 279). با قرار گرفتن این منطقه در قلب جهان اسلام و کانون ظهور و پخش دین اسلام و انتشار اندیشه‌های اسلامی به اقصی نقاط جهان، استراتژی‌های مذهبی که برخی از این کشورها در سیاست‌های خود به کار می‌گیرند نتوانسته است پیوندی میان این کشورها برقرار نماید. از یک سو امکانات فوق‌العاده مهمی برای همگرایی منطقه‌ای و تشکیل نظام منطقه‌ای با تکیه بر عناصر و آمیزه‌های بومی دارد و از سوی دیگر با تداوم حضور عوامل واگرا و تقویت آنها، در دام تقابل درونی و بیرونی افتاده و با وضعیت نامطلوبی روبه رو شده است (Ezati, 2005, 60). در خلیج فارس خطوط گسل زیادی بین مردم ریشه‌دار در هویت شامل سنی، شیعه، کرد، عرب و فارس و جوامع مذهبی مختلف وجود دارد (Andersen, 2007, 33). برخی از کشورهای اسلامی، رویکردهایی را اتخاذ می‌کنند که به هیچ وجه، آمیزه‌های همگرایی در آنها وجود ندارد. به همین دلیل، شاهد ظهور پدیده ناخوشایند ژئوپلیتیک اسلام‌ها هستیم. در حالی که بنیان اسلام بر همگرایی و پرهیز از اختلاف‌آفرینی در درون دنیای اسلام است. نقش برخی از کشورها در این میان، برجسته‌تر از دیگر کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، وظیفه‌ی مهمی در این خصوص بر عهده دارند. ایران دارای طولانی‌ترین ساحل در خلیج فارس و پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است که از چند دهه‌ی قبل درخصوص مسائل جهان اسلام، حساسیت‌هایی داشته است و عربستان سعودی که به علت وجود اماکن مقدس مکه و مدینه در میان مسلمانان، نفوذ قابل ملاحظه‌ای دارد و با درآمدهای نفتی قابل توجه خود تلاش کرده حضور فرهنگی در میان ملل مسلمان را تقویت نماید. از سوی دیگر، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، الگویی عینی برای حرکت‌های اسلامی، به ویژه جنبش‌های شیعی، شکل گرفته و باور مبارزه در ذهن مسلمانان تقویت شده و ایران را به عنوان خط دهنده‌ی حرکت‌های اسلامی به جهان اسلام معرفی نموده است. همچنین نگاه جهان اسلام به عربستان دوخته شده است؛ از آن رو که داعیه‌دار رهبری جهان اسلام، به ویژه جهان عرب به شمار می‌آید (Ramezani Lashkariani, 2010, 59). لذا این دو کشور نه تنها توانایی فراهم آوردن زمینه‌های همگرایی اسلامی در منطقه بلکه در دنیای اسلام را دارا می‌باشند و پدیدار شدن هرگونه ترتیبات امنیتی در منطقه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس، بدون حضور آنها ثمری نخواهد داشت. در هر حال، این حوزه گرفتار رفتارهای واگرایانه جمعی از کشورهای گردیده که در صورت تغییر رفتارهای سیاسی می‌توانند در وحدت منطقه و جهان اسلام و نیز همگرایی آن نقش مهمی داشته باشند. به طور کلی مهمترین عوامل مذهبی مؤثر در واگرایی در حوزه‌ی خلیج فارس عبارتند از:

- الف- ظهور و گسترش گرایش‌های مذهبی متعدد با دیدگاه‌ها و سرچشمه‌های متفاوت در حوزه‌ی خلیج فارس
- ب- تنش بین رهبران روحانی وهابی و شیعه در کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران
- ج- طرح مسأله‌ی هلال شیعی با هدف ایجاد نزاع منطقه‌ای و شکل دادن به یک درگیری با ویژگی‌های نژادی، مذهبی و قومی (Alton, 2007, 66). با وجود وجوه مشترک تقویت‌کننده برای همکاری‌های منطقه‌ای، فقدان اعتماد متقابل و اقدامات مؤثر برای ایجاد فضای مناسب برای اعتماد جمعی، منطقه را با پیچیدگی زیادی مواجه ساخته است. تلاش‌های اعتمادساز در فضایی که گوناگونی تفکرات، موانعی اساسی بر سر راه همکاری و همگرایی ایجاد کرده،

می‌تواند به عنوان اولین گام، راه را برای صعود به مراحل عملی بعدی سد سازد. لذا با وجود سیاست‌های توأم با سؤزن و عدم اطمینان، کشورهای منطقه برای دستیابی به یک فرمول اصولی و قابل اعتماد منطقه‌ای، راه حلی نخواهند یافت مگر اینکه روابط دوستانه و همکاری‌های متقابل خود را با یکدیگر استحکام بخشند (Ezati, 2005, 67).

۲) تأثیر مذهب بر تحولات و روابط ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسائل مذهبی-ایدئولوژیکی یکی از منابع عمده‌ی منازعه در خلیج فارس در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی ایران موجب شد دو روند مذهبی و ایدئولوژیکی در منطقه احیاء گردند و موجبات نگرانی کشورهای دیگر حاشیه خلیج فارس را فراهم سازند. از یک سو ایران به عنوان اسلام شیعی می‌توانست موجب بی‌ثباتی برخی کشورهای منطقه گردد، به ویژه کشورهایی که دارای اقلیت یا اکثریت جمعیت شیعه بودند (عراق، بحرین، عربستان) و از سوی دیگر ایدئولوژی تندروی ایرانی که سمت و سوی ضد اقتدارگرایی و ضد عربی داشت، می‌توانست موجب بی‌ثباتی برخی دیگر از کشورهای منطقه گردد که همگی بدون استثناء اقتدارگرا و همچنین متمایل به غرب بودند (Hajiyousefi, 2005, 168). در این زمینه عربستان به عنوان مهد جهان اسلام و داعیه‌دار خلافت اسلامی، همواره تلاش کرده است از نقش جمهوری اسلامی به عنوان محور تجمع امت اسلامی جلوگیری کند. در این رابطه، نخستین راهکار سعودی‌ها تبلیغ و ترویج آیین وهابیت در ممالک اسلامی است. از این رو عربستان سعودی در رقابت با ایران و تلاش برای راه‌اندازی مراکز آموزشی و دینی، افکار و شریعت اسلامی مطابق تفسیر مورد نظر خود (وهابیت) به دنبال آن است تا از یک سو از نفوذ سیاسی-دینی ایران در کشورهای اسلامی جلوگیری نماید و از سوی دیگر با تفاسیر افراطی و متعصبانه خود از اسلام، با ایجاد ناامنی در مرزهای شرقی ایران مجال هرگونه تحرک سیاسی و مذهبی ایران را در آسیای مرکزی از میان ببرد و مانعی جدی بر سر راه نفوذ ایران در منطقه باشد. وقتی بهار عربی، جوانان بحرینی را برای بیرون رفتن به سمت خیابان‌ها برای خواسته‌هایشان جهت اصلاحات و دموکراتیزاسیون الهام بخشید، پادشاهان شورای همکاری خلیج فارس فوراً خیزش بحرین را به عنوان مداخله‌ی ایران در جوامع مسلمان شیعی تفسیر کردند، از این رو سخت‌گیری‌های تند خود را بر شورش‌ها توجیه می‌کنند (Andersen, 2011, 20). در نظام منطقه‌ای خلیج فارس، ایران در بخش پیرامون قرار می‌گیرد. زیرا به لحاظ مذهب، نژاد و زبان با سایر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس متفاوت است. از این رودر حوزه‌ی خلیج فارس شکافی متراکم در نوع، ساختار، ماهیت، و جهت‌گیری نظام‌های سیاسی موجود در منطقه مشاهده می‌شود. آنچه در طی دهه‌های اخیر و به ویژه در حوزه‌ی خلیج فارس به وقوع پیوسته، تأکید بر مرزهای ملی، سیاست‌های مجزا، تلاش برای تحصیل منافع ملی و ارتباط با یک قدرت فرامنطقه‌ای غیر اسلامی بوده است. در حالی که در بخش‌های مختلف جهان به خصوص در میان کشورهای توسعه یافته شاهد همگرایی‌های منطقه‌ای هستیم که در آنها برای شکل‌گیری نظام منطقه‌ای مبتنی بر آمیزه‌های بومی و منطقه‌ای تلاش می‌گردد. از آنجایی که ایران دارای نظام جمهوری اسلامی است و به شدت از مکتب شیعه متأثر بوده ایدئولوژی جهانگرا بر آن حاکم است و انقلابی ضد غربی و ضد صهیونیستی است. این در حالی است که تلقی بسیاری از حکومت‌های منطقه نسبت به غرب و آمریکا با آنچه عرف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است تفاوت فاحش دارد. ایران نظم جهانی را

ناسازگار با منافع مسلمانان می‌داند در حالی که بیشتر کشورهای منطقه ناسازگاری خاصی میان منافع مسلمانان و جهت‌گیری‌های عرب نمی‌بینند. همچنین تعاریفی که در جمهوری اسلامی ایران از نظم جهانی، غرب، اقتصاد بین‌الملل و... وجود دارد تفاوت‌های قابل توجهی با تعاریف رایج در دنیای اسلام دارد (Fazelinia, 2007, 177). سقوط حکومت بعث عراق و احتمال تأثیر تحولات عراق بر مسائل نفت و امنیت اسرائیل، بر میزان نگرانی‌های آمریکا افزوده است، به طوریکه با برجسته‌سازی مفهوم هلال شیعی قصد انحراف اذهان تصمیم‌گیران عرب از مسأله‌ی اسرائیل در منطقه را دارد. از سوی دیگر، کشورهای چون بحرین نیز به دلیل جمعیت زیاد شیعه و گروه شیعیان عربستان سعودی به دلیل سکونت در مناطق نفت خیز و برخی کشورهایی از این دست با شکل دادن به «هلال شیعی» تحولات ژئوپلیتیکی را از خلیج فارس تا مدیترانه تحت تأثیر قرار می‌دهند. هشدار ملک عبدالله برای تهدید هلال شیعی، دولت‌های محافظه کار عرب را به ورود در یک اتحاد با اسرائیل و ایالات متحده در طرحی جهت کنترل ایران و اسلام گراها سوق داد (Andersen, 2007, 75). از این رو، تحولاتی که در این منطقه رخ می‌دهد - هر چند کوچک و جزئی - تأثیری بر جهان اسلام خواهد داشت و شاید به همین دلیل است که کشورهای غربی به رویدادهای خلیج فارس حساس هستند و همواره از خود واکنش نشان می‌دهند (Motaghizadeh, 2005, 66). بنابراین می‌توان گفت مبنای اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاسی در حوزه‌ی خلیج فارس، مذهب می‌باشد که منشأ بسیاری از تحولات است و روابط کشورهای منطقه را شکل می‌دهد.

### ۳) نقش بازیگران فرامنطقه‌ای

وجود فرقه‌های مذهبی گوناگون در حوزه‌ی خلیج فارس فرصتی را برای قدرت‌های بیگانه جهت ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات مذهبی با هدف ایجاد بی‌ثباتی و دستیابی به منافع خویش ایجاد کرده است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای از این فرصت نهایت بهره را جهت نفوذ هرچه بیشتر در خلیج فارس می‌برند و عدم تفاهم کشورهای منطقه در برقراری یک نظم منطقه‌ای قابل قبول، زمینه‌های لازم برای حضور کشورهای خارجی در منطقه را فراهم نموده است (Akhbari, 2009, 38). با وقوع انقلاب ایران کشورهای عرب خلیج فارس تحت تأثیر تبلیغات کشورهای غربی و پروژه‌ی ایران هراسی قرار گرفته و خرید اسلحه از کشورهای غربی را افزایش دادند، به طوری که توازن قوا در این منطقه بهم خورده و اینک منطقه به یک انبار بزرگ تسلیحات تبدیل شده است (Mahdigorabi, 2011, 360 & Aminizadeh, 2011, 360). از بعد از لشکرکشی دامنه‌دار آمریکا به خلیج فارس بعد از حمله عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ و ماندگار شدن حضور نظامی گسترده‌ی آمریکا در منطقه، استقلال خلیج فارس از قدرت‌های جهانی به طور جدی به چالش کشیده شد (Akhbari, 2009, 47) پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس افزایش چشمگیری داشته است، این افزایش جدید نیروی نظامی برای کشورهای منطقه مشکلاتی ایجاد می‌کند (Jaspaal, 2001, 544) رشد بی‌ثباتی در نتیجه رشد نظامی‌گری و استفاده از ابزارهای تهاجمی برای پیشبرد نظم جدید در منطقه که عمدتاً ریشه در منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی قدرت‌های بزرگ دارد باعث شده است رشد مؤلفه‌ی واگرایانه، بیش از عواملی باشد که می‌تواند باعث همگرایی و همکاری در این منطقه‌ی حساس جهان گردد. به طور مشخص از اوایل دهه ۱۹۹۰، کشورهای منطقه بجای آنکه به دنبال ترتیبات امنیتی منطقه‌ای قائم به ذات برای خلیج فارس و طراحی و ایجاد مکانیسم‌های لازم برای همکاری و امنیت دسته جمعی باشند در پی

دریافت تضمین‌های امنیتی از بازیگران غیر منطقه‌ای و عقد موافقتنامه‌های دفاعی با آنها بوده‌اند (Akhbari, 2009, 47) از سوی دیگر، حضور آمریکا و اسرائیل و تنش‌زایی آنها در منطقه یک واقعیت است. اسرائیل به دنبال یک تفکر راهبردی برای ادامه زندگی می‌باشد این کشور شاید یکی از برندگان اصلی جنگ دوم خلیج فارس بوده است. مایوس‌کننده‌ترین نتیجه‌ی جنگ برای خود اعراب، پراکندگی بیشتر در جبهه‌ی آنان بود. کشورهای وامانده از جبهه اعراب که سیاست‌های نادرستی را در قبال مسأله عراق و کویت اتخاذ کرده بودند برای جبران انزوای خویش به اسرائیل نزدیک‌تر شدند. اسرائیل در نظر دارد تا به نوعی که منافع ملی خود را به هیچ عنوان از دست ندهد با کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس ارتباط برقرار کند. اسرائیلی‌ها همیشه تلاش داشته‌اند تا رابطه اعراب با ایران را تحت الشعاع قرار دهند (Ebrahimifar, 2001, 155). سیاست‌های نادرست حاکمان منطقه به دنبال اختلافات ایدئولوژیک و دعوت از قدرت‌های بزرگ برای حضور نظامی باعث پیچیدگی وضعیت منطقه شده است.

#### ۴) بایسته‌های سیاست خارجی کشورهای حوزه ژئوپلیتیک خلیج فارس در ساختار جدید

ساختار روابط ژئوپلیتیک خلیج فارس همواره تحت تأثیر جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های دو بازیگر منطقه‌ای مهم و تأثیرگذار یعنی ایران به‌عنوان قطب ژئوپلیتیک شیعه و عربستان سعودی به‌عنوان مهم‌ترین مرکز گسترش تفکر سلفی‌گری در منطقه می‌باشد. کشورهای دیگر یا نقش اقمار را داشته و یا با گرایش به سوی قدرت‌های فرا منطقه‌ای سعی در ارتقای جایگاه ژئوپلیتیکی خود و کسب منزلت ژئوپلیتیکی در منطقه دارند. در چنین فضایی در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب مبتنی بر واقع‌گرایی، آتش فرقه‌گرایی مذهبی روز به روز شعله‌ورتر شده و بر شکاف‌های عقیدتی خواهد افزود. جمهوری اسلامی ایران بر اساس اشتراکات دینی و منافع منطقه‌ای و جهان اسلام، همکاری و همگرایی با کشورهای خلیج فارس را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خویش قرار داده، و در این میان روابط ایران و عربستان سعودی به دلیل جایگاه مهم این دو کشور در جهان اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی از نظر تاریخی می‌توان روابط ایران و عربستان را در چهار دوره قبل از انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، از پایان جنگ تحمیلی تا ۱۱ سپتامبر و از ۱۱ سپتامبر تاکنون تشریح کرد. این چهار دوره که متأثر از شرایط جهانی، منطقه‌ای و عوامل تأثیرگذار درونی بوده نوع روابط متفاوتی را در پی داشته است و بعضاً از رفتار مسالمت‌آمیز رقابت‌جویانه در کسب رهبری منطقه‌ای در قبل از انقلاب اسلامی تا رفتار خصمانه در سال ۱۳۶۶ متغیر بوده است. در دنباله آن نوعی روابط مسالمت‌آمیز رو به گسترش تا همکاری و همگرایی منطقه‌ای بین دو کشور به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر و تحولات جدید منطقه از جمله سقوط طالبان و صدام حسین حاکم بوده است. همچنین همکاری‌های مناسب و خوبی میان ایران و عربستان در زمینه حل و فصل مسائل مشکلات جهان اسلام، لبنان، و کنفرانس اسلامی وجود دارد. و رفع برخی نگرانی‌های عربستان می‌تواند از طریق بالابردن قدرت چانه‌زنی دیپلماسی، منافع ملی کشور را بهتر تضمین و تأمین کند. بدون تردید تقویت روابط تهران - ریاض می‌تواند در پیشبرد اهداف و تأمین منافع ملی کشور مؤثر باشد و دو کشور تأثیرگذار جهان اسلام نیز همواره نشان داده‌اند که با تعامل مؤثر می‌توانند اختلافات فی‌مابین و مشکلات جهان اسلام را با سرعت بیشتری مرتفع سازند. ایران می‌تواند با هدف اعتمادسازی متقابل به عربستان پیشنهاد دهد که دو کشور سرمایه‌گذارها و همکاری‌های متنوع و مشترکی را در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی داشته باشند. بررسی انعقاد پیمانهای دفاعی و نظامی

متقابل در زمینه عدم تعرض و همکاری‌های نظامی - امنیتی با عربستان، تقویت نقش سازمانها و مراکز مربوط به وحدت اسلامی به منظور کاهش تنش‌های مذهبی، افزایش تعاملات علما، دانشگاهیان و فرهیختگان دو کشور خصوصاً با تاکید بر نقش مذهب و مسائل فرهنگی، تاکید بر تهدیدات سیاسی - امنیتی مشترک ایران و عربستان و تلاش در جهت همکاری در زمینه‌هایی نظیر مبارزه با تروریسم و اتخاذ رویکرد چند جانبه گرایي در حل منازعات و مشکلات حوزه‌ی خلیج فارس از دیگر راهکارهای تأثیرگذار می‌باشد. از دیگر پیشنهادها برای کاهش‌نگرانی‌ها و تعمیق و گسترش روابط ایران با عربستان است.

علاوه بر مطالب فوق توجه به دو واقعیت مهم ذیل در بررسی روابط کنونی عربستان و ایران لازم است:

۱. تیره کردن رابطه ایران و عربستان راهبرد اصلی دشمنان جهان اسلام خصوصاً اسرائیل است که از هر وسیله‌ای نظیر اختلافات مذهبی و نهدید و تطمیع هواداران نفوذی خود، در جهت ایجاد و جلوگیری از انسجام کشورهای مهم اسلامی بهره می‌جویند.

۲. واقعیت دیگر آن است که برخی مقامات عربستان سعودی به دلیل تأثیر پذیری از عقاید وهابی و ضد شیعی، به شدت نگران افزایش نفوذ ایران در منطقه هستند. از این رو به نظر می‌رسد در صورت سیطره چنین فضای مخربی بر دستگاه دیپلماسی عربستان، اختلاف مذهبی از جمله عواملی است که می‌تواند زمینه همکاری‌های دو جانبه میان ایران و عربستان را تضعیف کند. که در مقاطعی شاهد بسط چنین رویکردی بر روابط عربستان با ایران می‌باشیم. (siasiporsemani.ir)

### نتیجه‌گیری

خلیج فارس مهد دنیای اسلام و مرکز رشد و ظهور تفکرات مذهبی می‌باشد که با توجه به ماهیت مذهبی حکومت‌های حاشیه‌ی خلیج فارس و نفوذ مذهب در ساختار نظام‌های منطقه، همواره معادلات حوزه‌ی خلیج فارس متأثر از دیدگاه‌های مذهبی حاکم بر این حوزه است. به‌طوریکه نقش مذهب در ارکان زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ملت‌ها و حکومت‌های حوزه‌ی خلیج فارس به روشنی مشهود است. تا جایی که چشم‌انداز ژئوپلیتیکی این حوزه را دگرگون کرده و تحت تأثیر خود قرار داده است. از این رو شاهد همگرایی‌ها و واگرایی‌ها در بین گروه‌های مذهبی بر اساس گرایشات مذهبی هستیم. که علاوه بر عوامل دیگر ژئوپلیتیکی به‌عنوان یک مؤلفه‌ی محوری در روند مناسبات حوزه‌ی خلیج فارس و به‌عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی در شکل دهی به ساختار جدید ژئوپلیتیکی خلیج فارس ایفای نقش کرده و استراتژی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس عمدتاً حول محور مذهب شکل می‌گیرد. وجود جنبش‌های مذهبی مختلف با ریشه‌های عقیدتی متفاوت و شکل‌گیری تفکرات سیاسی متأثر از دیدگاه‌های مذهبی رهبران سیاسی و ساختار اجتماعی عشیره‌ای کشورهای عربی با تعصبات مذهبی مخصوص به خود، نوعی ناهمگونی و عدم تجانس در ساختار نظام منطقه‌ای را به شکل چند دستگی‌ها و چند پارگی‌ها موجب شده که بعضاً مورد بهره‌برداری سیاسی برخی قدرتهای فرا منطقه‌ای نیز قرار می‌گیرد که جهت نیل به اهداف خود با حمایت برخی گروه‌ها یا مخالفت با دیگر گروه‌ها و با دامن زدن به اختلافات موجود، از جمله طرح هلال شیعی، در صدد تحقق سیاست‌های خود می‌باشند. به‌ویژه اینکه با قدرت‌گیری گروه‌های مذهبی و احزاب سیاسی با درون مایه‌ی مذهبی در نظام‌های حکومتی کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس گاهاً قطب‌های قدرت یا

گروه‌های فشار در بدنه‌ی نظام‌های سیاسی و اجتماعی این کشورها ایجاد می‌شود که بر سیاست داخلی و خارجی این کشورها تأثیر گذار هستند. نقشی که وهابیت در سیاست گذاری‌ها و مناسبات حکومت سعودی دارد امروزه بیش از پیش در تحولات منطقه نمایان است که نمونه‌ی بارز آن تحولات بحرین و یمن می‌باشد. با توجه به تعدد نگرش‌های مذهبی در بین ملت‌های منطقه، رفته رفته کلیه‌ی اجزاء نظام‌های کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس تحت تأثیر مؤلفه مذهب قرار گرفته و نقش آفرینی عامل مذهب، بیش از گذشته در روند تحولات و مناسبات منطقه‌ای خلیج فارس به ایجاد ساختاری مبتنی بر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک کمک می‌کند. ظهور و گسترش حرکت‌های بنیادگرایی با شاخه‌های متعدد در حوزه‌ی خلیج فارس و نفوذ آن‌ها در ساختار سیاسی جوامع حوزه‌ی خلیج فارس و حمایت مالی و نظامی برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای موجب قدرت یابی این گروه‌های مذهبی شده که با مسلح شدن تشکیلات آن‌ها روز به روز بر گستره‌ی نفوذ و تأثیر گذاری آن‌ها در منطقه افزوده می‌شود، تا جایی که بر روابط ژئوپلیتیکی دولت‌های منطقه اثر می‌گذارد، از طرفی دیگر داعیه‌ی رهبری جهان اسلام از سوی برخی کشورها تفاسیر و موضع‌گیری‌های متضاد را در بین ملت‌ها و حکومت‌های منطقه ایجاد کرده است. براین اساس، مبنای بسیاری از ائتلاف‌ها و منطقه‌گرایی‌ها در خلیج فارس را عامل مذهب تشکیل می‌دهد و تمایل یا عدم تمایل کشورها جهت شرکت در همکاری‌های منطقه‌ای و چند جانبه، متأثر از گرایش‌ها و دیدگاه‌های مذهبی آن‌هاست که با توجه به ترکیب مذهبی نا همگون کشورهای منطقه، نوع و نحوه‌ی این جهت‌گیری‌ها متفاوت بوده و پیامدهای متفاوتی را نیز به همراه دارد. بر خلاف گذشته که مسائل خلیج فارس با محوریت انرژی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت امروزه نقش و جایگاه بارز مؤلفه‌ی مذهب به‌عنوان یک عنصر محوری در سیر تحولات حوزه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس را باید پذیرفت. در واقع هیچ رخدادی در این حوزه نمی‌توان یافت که رد پای مذهب در آن مشاهده نشود. بنابراین یک ساختار جدید بر پایه‌ی عامل مذهب در حوزه‌ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس در حال شکل‌گیری است که تمامی عناصر و مؤلفه‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در ساختار ژئوپلیتیکی جدید خلیج فارس، کمیت و ماهیت بازیگران دچار دگرگونی شده و با ورود مؤلفه‌ی مذهب به‌عنوان فاکتور ثابت فرمول بازی در تحولات آینده‌ی خلیج فارس تغییر ایجاد خواهد شد. طوری که با قدرت یابی گروه‌های مذهبی، ترتیبات امنیتی منطقه نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت که به چند پارگی در جهت‌گیری‌های سیاسی می‌انجامد. در این راستا، اتخاذ رهیافت چند جانبه‌گرایی بر پایه‌ی نظم منطقه‌ای مشارکت محور در سیاست خارجی کشورهای منطقه به‌ویژه دو کشور تأثیر گذار حوزه‌ی خلیج فارس یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بسیار حائز اهمیت است تا ضمن کاهش تعارضات ژئوپلیتیک و حفظ ثبات منطقه، زمینه‌ی همگرایی و موازنه قوا جهت تأمین امنیت منطقه‌ای فراهم آید. بنابر این تدوین استراتژی‌های مناسب از سوی ایران بسیار ضروری به نظر می‌رسد. در این خصوص چند راهکار عملی پیشنهاد می‌گردد.

- تأکید بر وجوه مشترک دینی و جنبه‌های وحدت آفرین اسلام در ارتباط با کشورهای منطقه

- اتخاذ دیپلماسی فعال در حل مناقشات منطقه

- شناخت زمینه‌ها و راه‌های همگرایی منطقه‌ای در اشکال مختلف اعم از اقتصادی و امنیتی متکی به توانمندی‌های

بومی منطقه

-اجتناب از یکجانبه گرایی و بهره‌گیری از توان جمعی و تلاش در ایجاد نظام امنیتی دسته جمعی با هدف تقویت ثبات منطقه‌ای

## References

- Ahmadi, S.A. (2011). Iran, the Islamic Revolution and Shia Geopolitics, Motaleat Andishesazan Nour Pub. [In Persian].
- Akhbari, M. (2009), A regional security arrangements in the Persian Gulf, inevitable, Proceedings of the National Conference on the status of the Persian Gulf on strategic developments in the world of Gita Press[In Persian]
- Alton, A. (2007). Islam in the World, translated by Naeb Ghodrat Goujar, Hosseini Asl, Tehran
- Andersen, LarsErslev (2007). Postscript: After Lebanon, A New Cold War in the Middle East, in Andersen :Innocence Lost .Islamism and the Battle over Values and World Order odense, University Press of Southern Denmark
- Andersen, LarsErslev (2011). Bahrain in the Shadow of the Libya War, Open Democracy, June 13
- Ashley, J., Tellis et al.(2000).Measuring National Power in the Postindustrial Age, New York: Rond Brzeinski Zbigniew and Brent Scowcarft and Richard Morphy, (1990), Differantiad ontaimant, Foreign Affairs. (may/June 1990).
- Buzan, B. & Waevr, O. (2003). Religions and Powers, the Structure of International Security, Cambridge University Press
- Castles, E. (2006). Information Age, Economy, Society&Culture, translated by Chavoshian, H., Tarhe-No Pub., Tehran.
- Ebrahim, F. (2008). the Shiites in Modern Arab World, Translated by Simbar, R., vol. 1, Imam Sadegh University [In Persian].
- Ebrahimifar, T. (2006). Trust Building Model in Persian Gulf Region, 2<sup>nd</sup> ed. Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
- Ehteshami, A. (2003). Fundamentalism and Political Islam, translated by Eslami, M., Bashgah Andisheh Pub. [In Persian].
- Elahi, H. (2007). Persian Gulf and its Problems, 9<sup>th</sup> ed. Ghomes Pub [In Persian].
- Ezati, E. (2005). an Analysis of Iran's and Iraq's Geopolitics, Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
- Ezati, E. (2011). Geopolitics, Samt Pub., Tehran . [In Persian].
- Faringdon, H.(1989). Strategic Geography, London:Routledge.
- Fazelinia, N. (2007). Shia Geopolitics and the West's Concern about the Islamic Revolution, Shiite Studies Institute, Qom. [In Persian].
- Foler, G. (2005). Feeling of Blockade, West Islam Geopolitics, translated by Farshchi, A., Superior Period of War
- Fred Ebrahimi, T. (1381) model of trust in the Persian Gulf, Tehran Office for Political and International Studies. [In Persian].
- Glassner, M. (1993). Political Geography, NewYork: Johnwiley and Sons, Inc
- Gourabi Mahdi Mohamed, and Ibrahim Mehdi (2012), the Persian Gulf, Tehran Book Publishing House. [In Persian].
- Gowie, A.P.(1989). Oxford Advanced learner's Dictionary, Uk: Oxford University Press
- Hajiyousefi, A. (2005). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in the Light of Regional Developments, Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
- Hiwood, A. (2007). an Introduction to Political Ideologies: from Liberalism to Religious Fundamentalism, translated by Rafiei Mehrabadi, M., Ministry of Foreign Affairs
- <http://siasi.porsemani.ir/node/1811>
- <http://www.ir-psri.com/index.html>
- <http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?p=pages&id=166>
- <http://www.wikipedia.org.aspx/456>
- Jafari, A. (2005). Modern Cosmography of Countries, Gitashenasi Geography and Cartography Institute. [In Persian]
- James, W. (1994). Religion and Spirit, translated by Ghaeni, M., Book Translation and Publication Firm, Tehran



- Jaspal, Zafar Nawaz (2001), the strategic importance of the Persian Gulf in the Asian policy of the Pakistani perspective, a collection of articles Twelfth International Conference on the Persian Gulf (Persian Gulf in the light of new developments -Sya World) translator Hossein Reza Yazdi expected, Persian Gulf Studies Center, political and International studies Office
- Jordan, T.G.& Rawentry, L. (2001). an Introduction to Cultural Geography, translated by Tolaei, S.& Soleimani, M., Culture, Art and Communication Research Center, Tehran [In Persian].
- Minaei, M. (2007). an Introduction to Geostrategy, Strategic Studies Research Center. [In Persian]
- Mohammadi, M. (2006). Global Reflection of the Islamic Revolution, Islamic Thought and Culture Research Center, 1<sup>st</sup> ed. Tehran [In Persian].
- Momeni, F. (2011). the International Significance of the Persian Gulf in 19<sup>th</sup> and 20<sup>th</sup> Centuries, Persian Gulf Journal, 1<sup>st</sup> and 2<sup>nd</sup> Offices, Khane Ketab Pub. [In Persian].
- Motaghizadeh, Z. (2005). Geopolitics of the Persian Gulf Shiites, Shiite Studies Institute, Qom [In Persian].
- Nami, M. (2007). Problems of Iran's and Kuwait's Marine Borders, Geographical Organization of Armed Forces [In Persian].
- Nami, M. (2008). Persian Gulf's Special Position in Global Security and Iran's Role, Articles Collection of the National Conference on Persian Gulf's Special Position in the World's Strategic Developments, Geographical Organization of Armed Forces [In Persian].
- Pishgahifard, Z.& Rahmani, M. (2011). Territorialism of Iran and the U.S. in the Middle East, Geographical Organization of Armed Forces [In Persian].
- Poursaeid, F. (1382), the new Iraq and the threat of Iran's regional status, Strategic Studies Quarterly, Vol. VI, No. 2 [In Persian].
- Ramezani Lashkariani, S. (2010). the Geopolitical Role of the Persian Gulf Islands in Providing National Security of the Islamic Republic of Iran, Master Thesis in Political Geography, Islamic Azad University, Rasht Branch [In Persian].
- Safavi, S.Y. (2001). an Introduction to Iran's Military Geography- South and South Eastern, 3<sup>rd</sup> vol. Geographical Organization of Armed Forces. [In Persian].
- Seif Afajehei, M. (1997). Bahrain, 1<sup>st</sup> ed., Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
- Taylor, P.(1994). Political Geography, England: Langman Scientific & Technical. [In Persian].
- Toal, F. (2000). Shia Geopolitics, translated by Ghasem Agha, A., Amen Pub.
- Yeganeh, A. (2005). Oman, 1<sup>st</sup> ed., Ministry of Foreign Affairs . [In Persian].
- Zahrani, M., (1381) of the axis of evil rogue states, containment to preemptive attack, Foreign Policy Journal, Vol. XVI, No. 1. [In Persian].